

یادداشتی به بهانه‌ی بهسازی بنای فرهنگی ورزشی دلیران کهن

قالب کهن، نو شد



■ فروغ محسنی مفیدی
دکترای ادبیات فارسی، پیشنهاد دهنده
و ناظر بهسازی باشگاه دلیران کهن

■ یادداشت فصلنامه

در زمان حاضر رویدادهای گوناگونی در حال وقوع است که صرف‌نظر از درستی یا نادرستی و مثبت یا منفی بودن آن‌ها، به درستی و با دقت در جایی ثبت و ضبط نمی‌شوند، که بخشی از این امر به دلیل بی‌توجهی به کارکرد تاریخی این رویدادها و بخشی دیگر نیز به دلیل اتکا و اعتماد به پُست‌ها و استوری‌های فضای مجازی است، که البته غالباً از دقت و جزئیات کافی برخوردار نیستند. از سوی دیگر باز به دلیل تکیه به دنیای رسانه‌های مجازی، حافظه انسان‌ها مانند گذشته از ورزیدگی سابق برخوردار نیست و در مدت کوتاهی جزئیات از ذهن و حافظه پاک می‌شود. از همین روی فصلنامه میرداماد در حد توان خود گاهی به ثبت برخی وقایع روز خواهد پرداخت تا سندی باشد برای آیندگان. (تحریریه فصلنامه میرداماد)

■ مقدمه

ادبیات هر ملّتی همواره یار دیرینه‌ی تاریخ، فرهنگ و آداب و رسوم ملت‌هاست و در فرهنگ و اساطیر ایرانی، ورزش باستانی زورخانه‌ای نیز از این همراهی جدا نیست. ردّپای ورزش و آمادگی جسم در ادبیات فارسی به‌ویژه ادبیات حماسی آشکارا دیده می‌شود. حکیم فردوسی بارها سخن را به‌میدان نبرد می‌برد و در سخن وی نمایش حرکات جنگی تداعی‌کننده‌ی همان حرکات ورزش باستانی است. شباهت‌های بین تخته‌شنا و شمشیر، سنگ و سپر، میل و گرز، کباده و کمان، طبل جنگی و ضرب زورخانه از دلایل این ادعاست. طی پژوهش‌های گسترده معلوم شده که نه‌تنها این ورزش با جنگ‌های ابتدایی انسان‌ها در ارتباط بوده، بلکه باتوجه به متن شاهنامه و سایر رزم‌نامه‌ها می‌توان

به این نتیجه رسید که ورزش باستانی در ادبیات جایگاه والایی دارد. برای مثال می‌توان گفت، یکی از موارد بی‌چون و چرای جنگ‌ها «رجزخوانی» بوده که می‌توان ادعا کرد همین رجزخوانی از میدان جنگ به گود زورخانه رسیده و سبب ورود شعرخوانی در زورخانه‌ها شده است؛ زیرا زورخانه مکان تمرین مبارزان بوده، با این تفاوت که هدف از رجزخوانی در جنگ ترساندن حریف و هدف از شعرخوانی در زورخانه، القای نیرو و توان بدنی به ورزشکاران است. حتی پیش‌تر از این‌ها، به استناد پژوهش مهرداد بهار در مقاله‌ی «ورزش باستانی و آیین مهر»، رفتار عرفانی، الگوی دینی و شهریار و پهلوانی ایرانیان متأثر از تأثیر عمیق ایزدمهر و مهر و آیین میترا بیستم می‌باشد.

پیشینه باشگاه دلیران کهن

باتوجه به این‌که سند و مدرکی در ارتباط با تاریخچه ساخت این باشگاه و پیشینه آن وجود ندارد، مسلماً باید به سراغ منابع شفاهی رفت. از آن‌جا که از اوایل دهه ۱۳۲۰ خورشیدی این باشگاه در اختیار برادران مهدی‌نژاد بوده و تاکنون نیز نسل دوم خاندان مهدی‌نژاد باشگاه را اداره می‌کند، منبع اصلی ما در این زمینه آقای مسعود مهدی‌نژاد، فرزند مرحوم کریم مهدی‌نژاد است که از کودکی تاکنون به صورت پیوسته در این باشگاه حضور داشته و پای صحبت بسیاری از پیشکسوتان این باشگاه نشسته است. اما در بخش مربوط به اطلاعات مرمت اخیر باشگاه، از آن‌جا که نگارنده خود در بطن ماجرا بوده، این اطلاعات به‌طور مستقیم و بدون واسطه ثبت و درج خواهد شد.

بنابر نقل قول‌های سینه به سینه، پیشینه این باشگاه به حدود یکصد و چهل، تا یکصد و پنجاه سال پیش بازمی‌گردد، لکن سند و مدرکی در این زمینه موجود نیست. نام اولیه آن «باشگاه کهن» بود، سپس برای مدت کوتاهی نام آن به «باشگاه کورش کبیر» تغییر یافت و مجدداً به تبع نام اولیه خود، به نام «باشگاه کهن» خوانده شد و امروزه نیز با نام «باشگاه دلیران کهن» شناخته می‌شود. مؤسس یا مؤسسين اولیه زورخانه نامشخص و ناشناخته‌اند. زمین باشگاه اوقافی بود و تولیت و تصدی آن در عهده آقای محمّد رئیسی قرار داشت. در سال ۱۳۲۲ برادران مهدی‌نژاد (کریم و رضا) این باشگاه را به‌طور رسمی اجاره کردند و مدیریت آن را برعهده گرفتند. پس از گذشت بیش از دو دهه، به دلیل فرسوده بودن بنای باشگاه، برادران مهدی‌نژاد درصدد تجدید بنا و توسعه باشگاه برآمدند، لکن از آن‌جا که شرایط تجدید بنا در زمین اوقافی سابق میسر نشد، در سال ۱۳۴۶ دو قطعه زمین ۲۵۰ متری از زمین‌های ملیاری، واقع در محله آلوچه‌باغ گرگان به فاصله چند متری از مکان پیشین باشگاه، طی قراردادی توسط آقای یحیی ضمیری به برادران مهدی‌نژاد واگذار شده و با همکاری نماینده‌ی وقت مردم گرگان در مجلس شورای ملی (آقای عسکری) و فرماندار وقت گرگان و جمعی از نیکوکاران شهر، بنای کنونی زورخانه ساخته شد و در سال ۱۳۵۴ به بهره‌برداری رسید. از پیشکسوتان باشگاه کهن از دوران پهلوی اول تا دو دهه پیش می‌توان از آقایان جعفر محمودنژاد، علی باقری، کربلایی عباسعلی عارفی، ابوالفضل داوودی، حبیب‌اله غفاری، علی‌اکبر عباس‌نژاد، کریم مهدی‌نژاد، رضا مهدی‌نژاد و... نام برد. تا قبل از سال ۱۳۲۲ متصدی این باشگاه حسین‌آقای تهرانی بود که پس از آن برادران مهدی‌نژاد به‌طور مشترک تصدی آن را برعهده گرفتند. از مرشدان قدیمی باشگاه کهن نیز

می‌توان از مرشد رضا عبدالحسینی و پسر ایشان معروف به «مُدیّر»، مرشد رضا مهدی‌نژاد و در مقطعی کوتاه مرشد فرامرز نجفی تهرانی و... نام برده که اکنون نیز سال‌هاست آقای مسعود مهدی‌نژاد این مسئولیت را برعهده دارد.

قابلی نو برای باشگاه کهن

پس از برگزاری مراسم ولادت حضرت علی (ع) در روز ۱۳ رجب ۱۴۴۴ مطابق ۱۵ بهمن ۱۴۰۱ در باشگاه دلیران کهن، که بانوان نیز حضور داشتند، جرقه‌ی بازسازی این بنا در ذهنم زده شد. این موضوع را ابتدا با آقای حسین ضمیری فعال فرهنگی و پُرکار و گرگان‌دوست شهرمان در میان گذاشتم. ایشان با کمال میل و شغف که برآمده از دغدغه‌ی ایشان در امر فرهنگ و بهینه‌سازی شهر گرگان است، پذیرای این رویداد فرهنگی- ورزشی- اجتماعی شد.

ایشان از ابتدا تا انتهای کار بدون وقفه ناظر پروژه بود و اغلب هماهنگی‌ها با استادکاران و خیرین توسط ایشان صورت پذیرفت و مسئولیت امور مالی و خرج‌کردها برعهده ایشان بود. سپس جناب آقای مسعود بغیری که معتمد خیرین شهر هستند نیز با کمال میل به جمع ما پیوست و در جمع‌آوری کمک‌های مسئولین نقش اصلی را ایفا نمود.

جناب آقای مسعود مهدی‌نژاد نیز از ابتدای کار، روزها و ساعت‌ها بدون وقفه و تعطیلی با تلاش‌های مستمر در زورخانه حضور داشت و از هیچ یاری‌رسانی و کمکی دریغ ننمود. در همین جا از تلاش‌های این بزرگواران طی سه ماه تلاش مستمر سپاس‌گزاری می‌کنم. به‌طور کلّ باید گفت این اقدام، حرکتی جمعی و گروهی بود که توانست خیرین فرهنگی، ورزشی، اجتماعی و برخی مسئولین را با خود همراه کند. این کارِ مردمی نشان اهتمام و همدلی جمعی از فرهنگ‌دوستان و گرگان‌دوستان بود که توانست به یک مکان تاریخی جلوه‌ای نو ببخشد.

عملیات اجرایی حدوداً از اواخر تیرماه ۱۴۰۲ یعنی با آغاز دهه‌ی اول محرم شروع شده و مدت سه ماه به‌طول انجامید.

طراحی و نظارت این پروژه کاری گروهی بود، اما کسانی که نقش بیشتری در بهسازی این بنا داشتند عبارت‌اند از نگارنده این گزارش، آقایان حسین ضمیری و مسعود مهدی‌نژاد؛ که البته برای تک‌تک تغییرات رخ داده، هر سه نفر باهم مشورت می‌کردیم، تا کار با ظرافت و زیبایی پیش برود. هر رنگ و نمادی که در باشگاه دلیران کهن به کار گرفته شد با خود دلیلی به‌همراه داشت. برای مثال: رنگ فیروزه‌ای کاشی دیوارها و سردم و داخل گود، رنگ هنر ایرانی نماد شادمانی، آرامش و تداعی‌کننده‌ی بی‌کرانگی، جاودانگی و فضای لایتناهی روح است، رنگ کاهگلی یا خاکی، رنگ غالب بدنه‌ی بناهای تاریخی معماری ایرانی‌ست که در دیوارهای بیرونی و داخلی باشگاه به کار گرفته شد. ترکیب دو رنگ کاهگلی و فیروزه‌ای در مقبره‌ها و مناره‌های قرن ششم بسیار چشم‌نواز است.

انتخاب بته‌جقه در کاشی‌های سردم که در ترکیب لباس ورزشکاران زورخانه نیز دیده می‌شود، از نمادهای اصیل ایرانی‌ست و نشان پَر، بال، فَرّه‌ی ایزدی، تمثیلی از درخت زندگی و نیز سرو خمیده

است، که نشان فروتنی ورزشکاران نیز می‌باشد. این نشان که در تنبان ورزشکاران زورخانه دیده می‌شود از دیرینگی این ورزش خبر می‌دهد. اما تغییرات باشگاه به‌طور خلاصه عبارتند از: ساخت و نصب کامل سردم با کاشی‌های سنتی بسیار زیبا که به‌دست توانای استاد سیدحسن مرتضوی به‌بار نشست. و تابلو فرش نصب شده بر دیوار باشگاه که نشان نفوذ ارزش‌ها و قوانین سنتی هم‌چون عیاری و جوانمردی و پهلوانی را در زورخانه به‌نمایش می‌گذارد. نقش این تابلو برگرفته از داستان بیژن و منیژه است که رستم برای نجات بیژن از چاه شرطی می‌گذارد و آن بخشودن گرگین (کسی که بیژن را به چاه افکند) می‌باشد. یعنی نمایش یک منش جوانمردی. نماد و نشانه‌ی بعدی در دیوار سالن باشگاه طرح نبرد رستم با اژدها در خوان سوم از هفت‌خوان، زینت دهنده‌ی این مکان می‌باشد. در نمادشناسی همواره اژدها نماد نفس و اژدهاگشی پهلوان نشانه‌ای از نفس‌گشی است.

از تغییرات دیگر باشگاه می‌توان به‌اضافه کردن یک ردیف دیگر به سکوی تماشاگران، کنیتکس کاهگلی رنگ دیوارهای داخلی و بیرونی، رنگ‌آمیزی سنتی درها و پنجره‌ها با دو رنگ قهوه‌ای و فیروزه‌ای، تعویض پرده‌ها، تعویض لامپ‌ها، رنگ‌آمیزی کف گود، سامان‌دهی و نصب تصاویر زورخانه و اضافه نمودن لوگوی باشگاه به تمامی تصاویر که به کوشش عکاسی چهره‌نما و تلاش‌های آقای سینا صادق‌پور و آقای مسعود مهدی‌نژاد صورت گرفت.

برای کارهای بازسازی باشگاه مثل نقاشی و نصب کاشی و سرامیک از استادکارهای مجرب و ماهر این حرفه‌ها بهره گرفته شد. اما استاد توانمندی که کاشی‌های سنتی این فضا را در کارگاه خود هنرمندانه و بسیار زیبا از کوره‌ی تجربیات خود بیرون آورد. آقای سیدحسن مرتضوی بود که البته طراحی و اجرای نمای سردم را به‌طور رایگان به‌عهده گرفت و تا اتمام کار سردم در حال آمد و شد به باشگاه بود. خطاطی بالای سردم کار استاد شهرام دیده‌خانی می‌باشد. قدردان این استادان هستیم.

سرانجام پس از سه ماه تلاش بی‌وقفه، پروژه مرمت باشگاه به پایان رسید و در روز سه‌شنبه ۲۵ مهرماه ۱۴۰۲ به مناسبت روز تربیت بدنی و ورزش، باشگاه دلیران کهن به‌طور رسمی بازگشایی شد. این مراسم با دعوت از نیکوکاران طرح، ورزشکاران، هنرمندان و سایر میهمانان رنگ و جلای ویژه‌ای یافت. این مراسم از بخش‌های گوناگونی تشکیل شد، که عمده‌ی برنامه‌های آن عبارت بودند از: اجرا و شعرخوانی آقای حسین ضمیری، ضرب و نوای مرشد مسعود مهدی‌نژاد، ورزش باستانی ورزشکاران، پخش کلیپ فیلم قدیمی باشگاه ساخت آقای بهزاد حسن‌پور، کلیپ عکس‌های زورخانه از حمید ناییبی و توضیحات بنده راجع به دلایل بازسازی باشگاه و توضیحاتی راجع به نمادها و نشانه‌های به کار گرفته شده و در انتها اهدای لوح سپاس به تمامی نیکوکاران و دست‌اندرکاران این امر.

در پایان از تمامی نیکوکاران به ویژه مسئولین و مردم، عوامل، هنرمندان، دغدغه‌مندان عرصه‌ی فرهنگ و ورزش و... کمال سپاس‌گزاری را دارم و از این که تا پایان کار یاری‌گر ما بودند ممنونم.